

خبر

حذف نام همسر اول از شناسنامه با ثبت رسمی ازدواج دوم

● مهر:مدیرکل اسناد هویتی سازمان ثبت احوال کشور گفت: چنانچه فردی با همسرش متارکه کرده باشد با انتخاب همسر دوم و ثبت رسمی ازدواج و ثبت‌شدن نام او در شناسنامه‌اش می‌تواند به اداره ثبت احوال مراجعه و درخواست برای حذف نام همسر اول را ارایه دهد. محسن اسماعیلی افزود: حذف نام زوج از شناسنامه زوجه تنها در صورتی امکان‌پذیر است که در دوران عقد جدایی انجام شده باشد و دوشیزمیودن زوجه مطابق احکام قضایی و سند طلاق قابل استنباط باشد. وی افزود: همچنین اگر همسر فردی فوت کند در صورت ثبت‌شدن ازدواج، فرد می‌تواند با مراجعه به ادارات ثبت احوال نسبت به حذف نام همسر فوت‌شده از شناسنامه‌اش اقدام و نام او را از شناسنامه‌اش حذف کند.

شکار چیان متخلف محیط‌بانان «بمو، را به رگبار بستند

● مهر: مدیر دیده‌بان محیط‌زیست و حیات‌وحش ایران گفت: روز گذشته محیط‌بانان پارک ملی بمو توسط شکارچیان متخلف به رگبار بسته شده و به‌شدت مجروح شدند. کیوان هوشمند با بیان این مطلب افزود: بمباد روز گذشته (دوشنبه ۱۳۹۳/۶/۳۱) نیروهای یگان محیط‌زیست پارک ملی بمسو متوجه حضور چهارشکارچی غیرمجاز مجهز به سلاح و ادوات شکار درون پارک شدند. به‌گفته وی، محیط‌بانان به تعقیب متخلفان پرداختند و پس از چندین‌ساعت تعقیب‌وگریز در کوه، شکارچیان اقدام به تیراندازی به‌سوی مأموران کردند. مدیر دیده‌بان محیط‌زیست و حیات‌وحش ایران اظهار کرد: شکارچیان با اسلحه جنگی در دو نوبت محیط‌بانان را به رگبار بستند که بر اثر آن محیط‌بان نصرت دهقان (رییس پارک ملی بمسو) از ناحیه پای چپ مورد اصابت گلوله قرار گرفت و محیطبان علیرضا جعفری از ناحیه پای چپ و سروگردن بر اثر پرتاب سنگریزه‌های ناشی از برخورد گلوله‌ها به زمین به‌شدت آسیب دیده هوشمند تصریح کرد: شکارچیان غیرمجاز پس از این حادثه با استفاده از تارکی شب متواری شده و از منطقه گریختند. وی افزود: هر دو محیطبان پس از مجروح‌شدن توسط سایر نیروها به خارج از منطقه و سپس به بیمارستانی در شهر شیراز منتقل شدند. مدیر دیده‌بان محیط‌زیست و حیات‌وحش ایران گفت: محیطبان نصرت دهقان که از ناحیه پای چپ نزدیک زانو هدف گلوله قرار گرفته است؛ عصر روز گذشته تحت عمل جراحی قرار گرفت. هوشمند یادآور شد: با توجه به خروج گلوله از پای محیطبان دهقان، نوع اسلحه قابل تشخیص نیست اما با توجه به شلیک به‌صورت رگبار، می‌تواند است که شکارچیان از اسلحه دوکار جنگی استفاده کرده‌اند.

نظر قالیباف درباره انتخاب شهردار با رای مردم

● ایسنا:شهردار تهران به موضوع انتخاب شهردار شهرهای بالای ۲۰۰هزارنفر جمعیت با رای مستقیم مردم که چندی است بحث آن دوباره مطرح شده، واکنش نشان داد. دکتر محمدباقر قالیباف در حاشیه آیین آغاز سال تحصیلی در مدرسه استثنایی رجاییه درباره انتخاب شهردار شهرهای بالای ۲۰۰هزارنفر جمعیت با رای مستقیم مردم گفت: بحث انتخاب شهردار با رای مستقیم مردم چندوقتی است که مطرح شده و درباره آن صحبت‌های مختلفی شده است، اما به‌طور کلی در بعضی از شهرهای دنیا پارلمان شهری شهردار را انتخاب می‌کند و در برخی دیگر شهردار با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود. قالیباف ادامه داد: این موضوع برمی‌گردد به قوانین و مقررات و نوع نگاهی که به این موضوع وجود دارد. شهردار تهران با بیان اینکه اگر بنا باشد شهردار با رای مستقیم مردم انتخاب شود، حتما باید قوانین و مقررات ارائه شهر تغییر کند؛ خاطرنشان کرد: البته در قانون فعلی هم باید اصلاحاتی انجام شود؛ به‌طوری که امروز مدیریت یکپارچه شهری به یکی از دغدغه‌های شهرهای ما تبدیل شده است. قالیباف با اذعان به اینکه به‌نظر می‌رسد مجموعا در حوزه دولتهای محلی که پایه آن شهرداری‌ها هستند توانستیم یک گام جدی و اساسی برداریم؛ افزود: این موضوع نه در آن بخشی که شهردار با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود، وجود دارد و نه به شکلی که امروزه شهردار به‌صورت پارلمانی انتخاب می‌شود.وی با بیان اینکه امروزه در حوزه مدیریت یکپارچه این اتفاق رخ نداده، گفت: من فکر می‌کنم باید در قوانین شهرداری‌ها و مدیریت شهری یکسری تغییر جدی ایجاد شود. به‌گفته قالیباف، بحث انتخاب شهردار با رای مستقیم مردم لایحه‌ای است که بیش از سه‌سال تلماسی صاحب‌نظران روی آن کار کرده و حالا تحت‌عنوان لایحه خدمات یکپارچه مدیریت شهری در دولت در حال بررسی است و پس از آن باید به مجلس برود. قالیباف افزود: اگر این لایحه رای بیورش و مبنای قرار گیرد براساس آن شهردار شهرهای بزرگ از ۲۰۰هزارنفر جمعیت با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود. شهردار تهران با بیان اینکه در آن صورت تمامی قوانین و مقررات عوض می‌شود، اظهار کرد: در این خصوص طبیعتا این مجلس شورای اسلامی است که تصمیم نهایی را خواهد گرفت.

«گل‌پسر یاتاقان ۲۰۹ داری؟»، «نه دایی؛ برو چارراه سوسکی از بنگاه عمو بروین بگیر!» از سروربازن چیزی کم ندارد. صاحبکارش اصرار دارد، بگوید «زیونش پرز» دارد. یک‌روز در باغ آذری (محلهای مابین میدان شوش و ترمینال جنوب) یاتاقانی پیدا کرده و با پیچ‌گوشتی و پاره‌آجر آنقدر به جان یاتاقان افتاده تا تیله‌های آهنی‌اش را به جنگ آورد. تیله‌های آهنی را برداشته به کوچ‌پس‌کوجهای جنوبی میدان شوش آورده و موی دماغ اسقاطی‌فروش‌ها و یدکی‌فروش‌های شوش شده. تیله آهنی‌ها را دانه‌ای ۱۰۰ تومانی آب کرده و همین رفت‌وآمدها و موی‌دماغ‌شدن‌هایش، کاری کرده که امروز (سه‌شنبه اول مهرماه ۱۳۹۳) در اواسط هشت‌سالگی به‌عنوان یادو، کرکره یدکی‌فروش خیابان احمدجهانبان در میان شوش را بالا بزند. «ما درون پناه من رو بذار مدرسه، پدرم مرده و عمو فقط برامون روغن و برنج میاره دوباره برمیگرد سمنان، به عمو ع گفتم اومدی دوباره تهران منو بذار مدرسه، هنوز رفته که مارو بذار مدرسه». فرهاد یکسال از تحصیل بازمانده و اگر بازمانده بود باید با هم‌سالانش حالا سر کلاس دوم دبستان می‌نشست. «آره خب، خیلی دلم میخواد برم مدرسه اما مامانم میگه ما فرق داریم، ما پول نداریم، میگه رو ۲۰۰هزارتومن درم و مدرسه رو نخواهند دید. محمدحسن چشمان سبزی دارد و خال‌های صورتش، ترکیب چهره‌اش را متفاوت کرده، او امسال اگر به مدرسه می‌رفت باید در نیمکتهای پایه هفتم می‌نشست. «من فقط دلم می‌خواد مدرسه عادی برم.» به دوستش اشاره می‌کند «مثل این به‌درنخور»

منطقه بلورفروش‌های شوش حالا یک‌سالی است که سنگفرش شده و نمایش به خود گرفته است. خیابان باریک و بلندی که هر روز یک ساختمان و پاساژ بزرگ و بلند در آنجا متولد می‌شود و صندلی‌های میان راه جای مناسبی برای بساط‌کردن است. علی اهل مردودشت شیراز است. قرار بود سه‌ماه تابستان اینجا پیش عمو۱ مادرش بماند و کار کند و به مردودشت برود، اما انگار در تهران ماندگار شده. «مامانم من‌رو به مدرسه برد، گفتن پر شده، جا نداریم، همین مدرسه امیرکبیر تو مولوی؛ پارسیال همونجا درس خوندم، کلاس اول بودم اما امسال دیر رفتم و گفتن نمیشه، نمی‌ذاریم.» علی به‌همراه مادرش سرراغ چند مدرسه دیگر هم رفته اما نتیجه نداشته و حالا گردوفروشی می‌کند. کنار دست او مجید

دامادمون من‌رو تا تهران آورد، شبا پیش اون می‌خوابم و منو آورد گذاشت اینجا که کار کنیم.»ابراهیم اصرار زیادی بر مردشدن دارد اما تا حرف درس به میان می‌آید سرش را پایین می‌گیرد: «خودم دلم به درس خوندم، اما پرید، نمی‌دونستم امروز اول مهره و نمی‌رم اینجا برم مدرسه، شب را در پاساژی در بلورفروش‌ها می‌خوابیم و اونجا کار برای انجام‌ادن زیاد هست.»

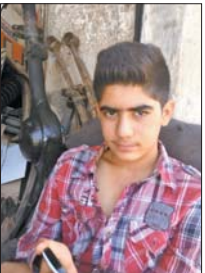
از یک مادرایرانی به دنیا آمدم

تشرهای محمدحسن، روی دوستش که او هم شاگرد اسقاطی‌فروش‌هاست، اثر دارد. دوستش اصرار دارد که بگوید مدرسه‌نرفتن محمدحسن به‌خاطر بی‌پولی است اما محمدحسن او را پس می‌زند. او منطق عجیبی برای مدرسه‌نرفتن دارد: «به من می‌گن باید بری مدرسه افغان‌ها، من بابام کلیلی است، اما مامانم واسه مشاهده من از شکم به ایرانی به دنیا اومدم اما الان دارن به من زور می‌گن، منم خوشم نمید، نمی‌خوام برم.» در این راسته همه‌جور کودک کاری دیده می‌شود. برخی که روز روز مهر مدرسه را پیچده‌اندن و اول مهرشان از شبیه آغاز می‌شود، برخی که شیفث بعدازظهر یا شبانه به مدرسه می‌روند و برخی دیگر مانند محمدحسن به‌کلی امسال رنگ کلاس

درس و مدرسه رو نخواهند دید. محمدحسن چشمان سبزی دارد و خال‌های صورتش، ترکیب چهره‌اش را متفاوت کرده، او امسال اگر به مدرسه می‌رفت باید در نیمکتهای پایه هفتم می‌نشست. «من فقط دلم می‌خواد مدرسه عادی برم.» به دوستش اشاره می‌کند «مثل این به‌درنخور»

منطقه بلورفروش‌های شوش حالا یک‌سالی است که سنگفرش شده و نمایش به خود گرفته است. خیابان باریک و بلندی که هر روز یک ساختمان و پاساژ بزرگ و بلند در آنجا متولد می‌شود و صندلی‌های میان راه جای مناسبی برای بساط‌کردن است. علی اهل مردودشت شیراز است. قرار بود سه‌ماه تابستان اینجا پیش عمو۱ مادرش بماند و کار کند و به مردودشت برود، اما انگار در تهران ماندگار شده. «مامانم من‌رو به مدرسه برد، گفتن پر شده، جا نداریم، همین مدرسه امیرکبیر تو مولوی؛ پارسیال همونجا درس خوندم، کلاس اول بودم اما امسال دیر رفتم و گفتن نمیشه، نمی‌ذاریم.» علی به‌همراه مادرش سرراغ چند مدرسه دیگر هم رفته اما نتیجه نداشته و حالا گردوفروشی می‌کند. کنار دست او مجید

جامعه



پرسه‌ای میان آنان که کلاس نرفتند، کار رفتند

کودکان کار، بازمانده از «مهر»

محمدحسین نجاتی

نشسته. با ۱۰ یا ۱۵ بسته دستمال کاغذی لوله‌ای که سه‌هزار ۵۰۰ تومانی می‌خرد و پنج‌هزار تومانی می‌فروشد. پدر مجید در بلورفروش‌ها چرخ‌کش است و کم‌تردر را پایین می‌گیرد: «خودم دلم به درس خوندم، اما پرید، نمی‌دونستم امروز اول مهره و نمی‌رم اینجا برم مدرسه، شب را در پاساژی در بلورفروش‌ها می‌خوابیم و اونجا کار برای انجام‌ادن زیاد هست.»

از یک مادرایرانی به دنیا آمدم

تشرهای محمدحسن، روی دوستش که او هم شاگرد اسقاطی‌فروش‌هاست، اثر دارد. دوستش اصرار دارد که بگوید مدرسه‌نرفتن محمدحسن به‌خاطر بی‌پولی است اما محمدحسن او را پس می‌زند. او منطق عجیبی برای مدرسه‌نرفتن دارد: «به من می‌گن باید بری مدرسه افغان‌ها، من بابام کلیلی است، اما مامانم واسه مشاهده من از شکم به ایرانی به دنیا اومدم اما الان دارن به من زور می‌گن، منم خوشم نمید، نمی‌خوام برم.» در این راسته همه‌جور کودک کاری دیده می‌شود. برخی که روز روز مهر مدرسه را پیچده‌اندن و اول مهرشان از شبیه آغاز می‌شود، برخی که شیفث بعدازظهر یا شبانه به مدرسه می‌روند و برخی دیگر مانند محمدحسن به‌کلی امسال رنگ کلاس

درس و مدرسه رو نخواهند دید. محمدحسن چشمان سبزی دارد و خال‌های صورتش، ترکیب چهره‌اش را متفاوت کرده، او امسال اگر به مدرسه می‌رفت باید در نیمکتهای پایه هفتم می‌نشست. «من فقط دلم می‌خواد مدرسه عادی برم.» به دوستش اشاره می‌کند «مثل این به‌درنخور»

منطقه بلورفروش‌های شوش حالا یک‌سالی است که سنگفرش شده و نمایش به خود گرفته است. خیابان باریک و بلندی که هر روز یک ساختمان و پاساژ بزرگ و بلند در آنجا متولد می‌شود و صندلی‌های میان راه جای مناسبی برای بساط‌کردن است. علی اهل مردودشت شیراز است. قرار بود سه‌ماه تابستان اینجا پیش عمو۱ مادرش بماند و کار کند و به مردودشت برود، اما انگار در تهران ماندگار شده. «مامانم من‌رو به مدرسه برد، گفتن پر شده، جا نداریم، همین مدرسه امیرکبیر تو مولوی؛ پارسیال همونجا درس خوندم، کلاس اول بودم اما امسال دیر رفتم و گفتن نمیشه، نمی‌ذاریم.» علی به‌همراه مادرش سرراغ چند مدرسه دیگر هم رفته اما نتیجه نداشته و حالا گردوفروشی می‌کند. کنار دست او مجید

شهر از کودکان خالی است. غیر از کودکانی که در کالسکه جا خوش کرده‌اند یا در آغوش مادرانشان. بازارها اما خلوت‌شدنی نیست. چهارراه گلوندک جای سوزن‌انداختن نیست. درگاه‌های مترو فوج‌فوج مردم را به شلوغی بازار اضافه می‌کند. دستفروش‌ها قابل شمارش نیستند. کالسکه‌ها و لکوموتیوها در سبزه‌میدان و کودکانی که متوسط سنی دستفروش‌ها را کم می‌کنند، حسابی توی ذوق می‌زنند

خاکی‌اش می‌رفتیم اما اومدیم تهران». فاطمه به‌خاطر شهر ۱۵۰هزارتومانی مدرسه از تحصیل جا ماند.

شهر از کودکان خالی است. غیر از کودکانی که در کالسکه جا خوش کرده‌اند یا در آغوش مادرانشان. بازارها اما خلوت‌شدنی نیست. چهارراه گلوندک جای سوزن‌انداختن نیست. درگاه‌های مترو فوج‌فوج مردم را به شلوغی بازار اضافه می‌کند. دستفروش‌ها قابل شمارش نیستند. کالسکه‌ها و لکوموتیوها در سبزه‌میدان حسابی توی ذوق می‌زنند و کودکانی که متوسط سنی شهر از کودکان خالی است. غیر از کودکانی که در کالسکه جا خوش کرده‌اند یا در آغوش مادرانشان. بازارها اما خلوت‌شدنی نیست. چهارراه گلوندک جای سوزن‌انداختن نیست. درگاه‌های مترو فوج‌فوج مردم را به شلوغی بازار اضافه می‌کند. دستفروش‌ها قابل شمارش نیستند. کالسکه‌ها و لکوموتیوها در سبزه‌میدان حسابی توی ذوق می‌زنند و کودکانی که متوسط سنی

همراه با هوای سرد پایین آمده و در ارتفاع نزدیک‌تری از سطح زمین قرار می‌گیرند و همین مساله منجر به بروز آلودگی‌های شدیدی می‌شود؛ موضوعی که در ۱۰ تا ۱۵سال اخیر اهالی تهران و دیگر کلانشهرهای بزرگ ایران آن را تجربه کرده‌اند. در همین حال البته گفتن این نکته نیز ضروری است که تولید و عرضه بنزین پتروشیمی در خلال سال‌های ۹۰ تا ۹۲ با پس از بروز تحریم‌های سنگین علیه ایران در آن سال‌ها مسوولان وزارت نفت دولت احمدی‌نژاد را بر آن داشت که برای جبران نیاز مصرف سوخت کشور به تولید این نوع بنزین رو بیاورند، با این حال به دلیل کیفیت بسیار پایین و غیراستانداردبودن آن‌که منجر به تشدید آلودگی هوا- به‌خصوص در شهرهای بزرگ شده بود، مورد انتقادات بسیاری قرار گرفت. توقف عرضه این نوع بنزین به دستور وزیر نفت دولت حسن روحانی و با پیگیری‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست از اول فروردین امسال انجام و بر اساس آن توزیع بنزین پتروشیمی در جایگاه‌های سوخت شهر تهران به‌صورت کامل متوقف شد. انتظار می‌رفت با این وضعیت تشکر نموده و انتظار دارد کمافی‌السبق با توجه به حساسیت اخبار در میان خاتولان‌محرم،با رعایت اصول صحت، دقت و امانتداری این وزارتخانه را در اعتلای نظام تعلیم و تربیت یاری رسانند.

توضیح شرق:

خبر فوق را «شرق» به‌قتل از خبرگزاری «ایلنا» منتشر کرده است.

دریچه

سوال جدید از قالیباف کلید خورد

حفانی: شهردار درباره آلوده‌کردن شبکه آب شرب تهران توضیح دهد

● سایت شورای تهران: رییس کمیته محیط‌زیست و خدمات شهری شورای شهر گفت: از شهردار تهران موضوع آلوده‌کردن آب شرب مردم توسط پیمانکاران شهرداری را سوال می‌کنم. به گزارش روابط‌عمومی این کمیته، باز هم آلودگی آب شرب تهران توسط شهرداری، موضوع جلسه کارگروه آب و خاک شورای شهر بود؛ کار گروهی که در آن، قرار بود به مساله کمبود و بی‌آبی در تهران پرداخته شود؛ ولی بیشتر به‌مساله آلوده‌کردن آب تهران توسط پیمانکاران فضای سبز شهرداری تهران اختصاص داشت. در این نشست، مدیر امور آزمایشگاه‌های شرکت آبفای تهران درباره آلوده‌کردن آب شرب تهران توسط پیمانکاران فضای سبز شهرداری گفت: متأسفانه با وجود اینکه مساله بارها تذکر داده شده است، هنوز هم شاهد این مساله هستیم؛ به‌گونه‌ای که در

تاریخ ۲۹شهریور، پنج انشعاب غیرمجاز جدید در فضای سبز تهران، کشف و مسدود شده است. دکتر اسفندیار جلیل‌زاده، با ذکر خطراتی از آلوده‌کردن آب شرب مردم توسط پیمانکار شهرداری در محله شهرزیا گفت: وقتی به ما اعلام شد کار باقیمانده در آب شرب این محله کاهش یافته، شششتوی شبکه را در دستور کار قرار دادیم. بعد از دو ساعت، دیدیم باز هم شبکه آلوده شده. سبهار این کار را کردیم و متوجه شدیم اتصال غیرمجاز در منطقه وجود دارد. او در ادامه گفت: شخصا در منطقه حاضر شدم و نتیجه آزمایش‌های پزشکی اهالی را دیدم؛ به‌دلیل آلودشدن آب شرب این منطقه، ۵۰۰پیپار داشتیم و آزمایش‌ها نشان می‌داد باکتری آمیب در آب وجود دارد. بعد از پیمایش و بررسی منطقه، رد اتصال غیرمجاز را گرفتیم. وقتی اتصال غیرمجاز پیمانکار شهرداری را مشاهده کردیم، متوجه شدیم که آب شرب با فشار ۳/۳اتمسفر وارد آب مورد نیاز؛ پارک مجاور این مکان می‌شود و پیمانکار شهرداری بمپ گذاشته بود و آب شرب مردم را در این شرایط بی‌آبی می‌کشید و پای چمن می‌ریخت و چون شیر یکطرفه سر راه نگذاشته بود، آب شرب مردم آلوده می‌شد. این متخصص پزشکی اجتماعی در ادامه گفت: تخمین ما این است که حدود ۲۰۰انشعاب غیرمجاز توسط پیمانکاران فضای سبز شهرداری در آب شرب مردم تهران ایجاد شده و شبکه را آلوده می‌کند.

توزیع کتب آموزشی پیشگیری از اعتیاد در سالن‌های آرایشی و ورزشی

● ایسنا:مدیرکل دفتر سلامت اجتماعی، اعتیاد و روان وزارت بهداشت نسبت به عرضه موادی تحت‌عنوان مواد بدنسازی و لافری در بانگاه‌های ورزشی و آرایشگاه‌ها جهت تقویت قوای جسمی و بدنسازی در مردان و همچنین لافری، جوانسازی و شادابی پوست در زنان هشدار داد و گفت: خطر بروز عیایم مصرف مواد محرک، در افراد استفاده‌کننده این مواد وجود دارد. «احمد حاجبی» با بیان اینکه دو کتاب آموزشی جهت آرایسه و توزیع در سالن‌های آرایشی و بدنسازی تهیه شده است، گفت: هرچند آمار دقیقی نداریم اما شواهد حاکی از آن است که تعداد زیادی از سالن‌های آرایشی در کشور فاقد پروانه رسمی هستند که قاعدتا از تیررس سیستم‌های نظارتی صنفی خود خارج هستند. با‌رود ما آن است که بیشتر مشکلات هم احتمالاً در مراکزی اتفاق می‌افتد که فاقد پروانه رسمی آرایه‌هستند

بازتاب

واکنش اداره‌کل آموزش‌وپروورش شهر تهران به یک خبر

● عطف به مطلب مندرج در آن رساله مورخ ۹۳/۳/۳۰ با عنوان «جاسازی دانش آموزان یکدبستان براساس مبلغ پرداختی والدین» ضمن تکذیب خبر فوق و براساس گزارش اداره‌کل آموزش‌وپروورش شهر تهران موارد ذیل را برای تنویر افکار عمومی به اطلاع می‌رساند:

۱- مدرسه موردنظر در سال گذشته فاقد کلاس هوشمند بوده و طرح این موضوع در خبر مندرج برخی از رسانه‌ها از اساس کذب می‌باشد.
۲- با همت، همیاری و مشارکت داوطلبانه اولیای مدرسه تا قبل از تابستان سال جاری، ۱۱کلاس از ۱۸کلاس مدرسه مذکور به کلاس‌های هوشمند مجهز شده است و با توجه به اختیاری‌بودن مشارکت اولیا تاکنون حتی یک شکایت در خصوص اخذ وجه جهت تجهیز مدرسه به اداره‌کل آموزش‌وپروورش شهر تهران و اداره‌کل بازرسی و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش‌وپروورش اعلام نشده است.

۳- براساس برنامه عمل تنظیم‌شده توسط مدرسه، در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مقرر گردیده است، کلیه دانش‌آموزان از کلاس‌های مجهز به تخته هوشمند به‌صورت چرخشی و نوبتی با رعایت اصل فرصت‌های برابر و بدون هرگونه تبعیض از امکانات موجود در مدرسه به‌صورت مساوی بهره‌مند شوند و طرح موضوع جداسازی از اساس فاقد صحت می‌باشد.

وزارت آموزش‌وپروورش فرصت را غنیمت شمرده و در راسته بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید از تلاش و کوشش اصحاب رسانه در رصد و پوشش اخبار این وزارتخانه تقدیر و تشکر نموده و انتظار دارد کمافی‌السبق با توجه به حساسیت اخبار در میان خاتولان‌محرم،با رعایت اصول صحت، دقت و امانتداری این وزارتخانه را در اعتلای نظام تعلیم و تربیت یاری رسانند.

توضیح شرق:

خبر فوق را «شرق» به‌قتل از خبرگزاری «ایلنا» منتشر کرده است.



این تصویر مربوط به تهران است.